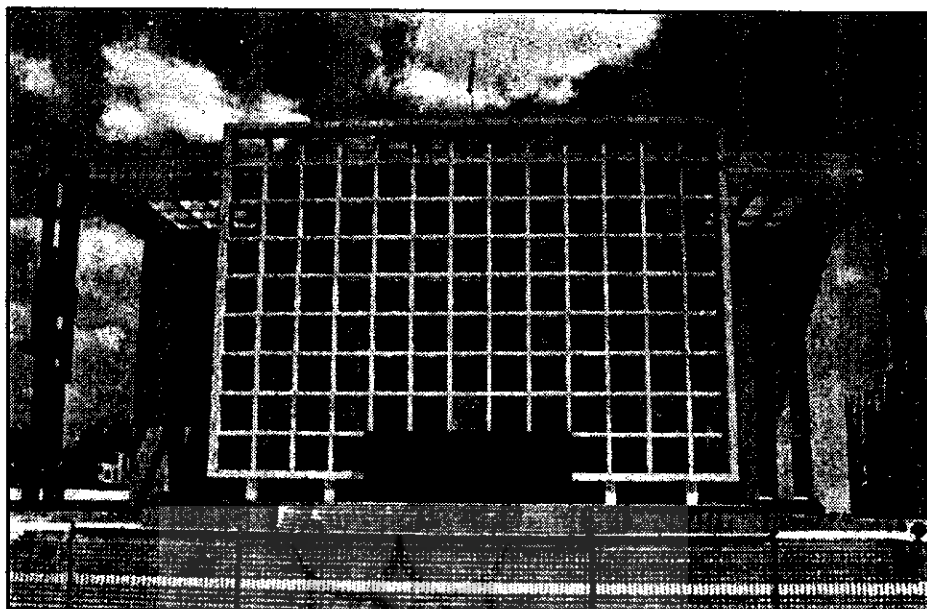


# مجلس و دفاع از حقوق شهروندی



## متن گزارش کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی در مورد شکایت دکتر ابراهیم یزدی

اشاره: کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی، براساس اصل ۹۰ در خصوص حقوق ملت، شکایات شهروندان را نسبت به طرز کار قوای سه گانه کشور پی گیری می کند و گزارش های آماده شده کمیسیون از این شکایات به دلیل ارتباط با حقوق عموم مردم، خارج از نوبت در صحن علنی قرائت شده و به اطلاع همگان می رسد. در طول عمر مجلس ششم، چندین گزارش از سوی این کمیسیون قرائت شده است. آخرین گزارشی که از سوی کمیسیون اصل نود قرائت شد، در جلسه علنی بیست و چهارم فروردین ماه سال جاری در خصوص شکایت ابراهیم یزدی بود. معمولاً رسم جلسات بر این است که مخبر کمیسیون گزارش را بخواند، که به دلیل حاضر نبودن مخبر (داود حسن زادگان رودسری) در جلسه و همچنین حاضر نبودن نایب رئیس و یا یکی از اعضای هیئت رئیسه برای قرائت گزارشی که در مورد نهضت آزادی بود، ناچار از رئیس کمیسیون، انصاری راد، دعوت شد تا گزارش را قرائت کند.

پیش از خواندن گزارش، قربانی (از اعضای جناح اقلیت)، تذکر قانون اساسی براساس اصل نود را مطرح نمود که براساس آن، گزارش هایی قابل ارائه به جلسه علنی هستند که مربوط به عموم مردم باشند، در حالی که گزارش فوق مربوط به شخص بوده و شکایت یک نفر از حکم دادگاه است. بهزاد نبوی در مقام رئیس جلسه در آن زمان تذکر او را وارد ندانست و گفت: "محتوای گزارش از مصادیق نقض حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی است و نقض این حقوق اثر عمومی دارد." قربانی، بار دیگر دومین تذکر خود را

هنگامی که انصاری راد در حال خواندن گزارش بود، با اشاره به نامه امام مطرح کرد که امام طی حکمی صریحاً به وزیر کشور وقت گفته بودند: "نهضت آزادی نباید رسمیت پیدا کند." اعتراض قربانی به این بود که رسماً با خواندن این گزارش از تریبون علنی - برخلاف نظر صریح امام - نهضت آزادی مشروعیت می یابد. وی گزارش یاد شده را خلاف اصل ۵۷ قانون اساسی و موجب وهن مجلس عنوان کرد.

رضاخاتمی که به جای نبوی در این زمان ریاست جلسه را عهده دار بود، اخطار قربانی را وارد ندانسته و گفت: "کمیسیون صرفاً یک حکم قضایی را بررسی کرده و در مورد موافقت یا مخالفت این حکم با قوانین عادی کشور نظر داده است."

تذکر دیگر از سوی احمد ناطق نوری بود که او هم محتوای گزارش را عمومی نمی دانست و در پاسخ پرسش خاتمی که "تشخیص عمومی یا خصوصی بودن با چه مرجعی است؟" گفت: "مجلس را در این امر صاحب تشخیص می داند، نه هیئت رئیسه را." در حالی که طبق گفته خاتمی، تشخیص این گونه امور به عهده کمیسیون مربوطه و هیئت رئیسه مجلس است، با این حال، خاتمی رأی گیری از مجلس را مطرح کرد، ولی ناطق نوری همچنان پافشاری داشت که گزارش نباید خوانده شود.

نمایندگان وابسته به جناح اقلیت سعی داشتند با گوشه و کنایه زدن، رضاخاتمی را وادار کنند تا از قرائت گزارش جلوگیری کند، ولی خاتمی از آنها خواست که تا تمام شدن گزارش تحمل کنند و یادآور شد که امام اجازه ندادند یک نفر از اعضای نهضت آزادی به زندان بیفتند.

با آن که گزارش دوبار توسط محمدی نماینده سلسله و دلفان و بهاروند نماینده خرم‌آباد از دست انصاری‌راد گرفته و پاره شد، ولی هیئت‌رئیس یک نسخه در اختیار وی گذاشت و با وجودی که یکی از نمایندگان (شیرزاد، نماینده گیلانغرب) شعار مرگ بر نهضت‌آزادی سر داده بود و تنش به حدی بود که خاتمی گفت: "اگر کسانی هستند که نمی‌خواهند گزارش را بشنوند، جلسه را ترک کنند." در هر صورت تمام گزارش در صحن خوانده شد. پس از اتمام جلسه، انصاری‌راد گفت: "نهضت‌آزادی گروهی قانونگرا و متدین و پایبند به مصالح و منافع ملی می‌باشند، به همین دلیل دخالت آنها در

سرنوشت کشور از اهمیت بیشتری نسبت به گروه‌های دیگر برخوردار است." وی همچنین تذکر داد که هیچ‌گونه ارتباط تشکیلاتی و گروهی با نهضت‌آزادی ندارد و همان‌طور که در مجلس اول با مرحوم دکتر سحابی آشنا بوده است، او و مهندس بازرگان را از بهترین مسلمانان و خدمتگزاران می‌شناسد.

ناگفته نماند حداد عادل و برخی از اعضای جناح اقلیت، مخالفت و واکنش نمایندگان را طبیعی دانسته و آن را منتسب به نامه‌امام در این مورد می‌نمودند.

اینک به منظور اطلاع عمومی، متن کامل گزارش را می‌آوریم:

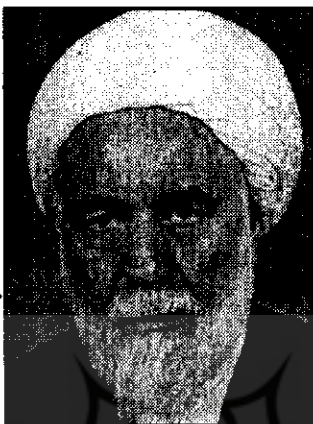
آقای دکتر ابراهیم یزدی به عنوان "دبیر کل نهضت‌آزادی" طی شکواییه شماره ۱۷۹۷ مورخ ۸۱/۶/۱۴ نسبت به مفاد دادنامه بدوی شماره ۲۱/۸۱/۱۴۱ مورخ ۸۱/۲/۲۶ صادره از شعبه محترم ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی تهران در محکومیت ۴۱ نفر از وابستگان رسمی و غیررسمی "نهضت‌آزادی" و عدم حضور هیئت منصفه، مصادره اموال مؤسساتی که طرف شکایت در پرونده نبوده‌اند، ضبط اموال برخی از اشخاص و غیرمستند بودن رأی صادره و... اعلام شکایت نموده و درخواست رسیدگی کرده است و متعاقب دعوت کمیسیون، نامبرده و آقایان خسرو منصوریان، سیدعلیرضا هندی، محمد توسلی، هاشم صباغیان و سیدمحمدعلی دادخواه و کیسل تعدادی از متهمین در جلسه مورخ ۸۱/۹/۱۰ کمیسیون شرکت کردند و مطالب مبسوطی در خصوص مراحل تحقیق، نوع اتهامات، نحوه برخورد در زندان‌های انفرادی و سایر مسائل مطرح کردند و جملگی درخواست رسیدگی نسبت به مفاد رأی صادره را داشتند تا فقط در چارچوب قوانین موضوعه با آنان رفتار گردد. کمیسیون طی نامه شماره ۸۱/۴۷۷۰/۱۴۸۳۱ مورخ ۹۰/۱۱/۵ عنوان حجت‌الاسلام و المسلمین آقای عزیزاده رئیس کل محترم دادگستری تهران استفسار نمود که تجدید نظرخواهی ثبت شده به شماره ۳۰/۸۱/۲۹۰۸۷ مورخ ۸۱/۵/۲۳ محکوم علیهم دادنامه بدوی با عنایت به مقررات باب سوم از قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۷۸/۶/۲۸، در چه مرحله‌ای از اقدام قانونی قرار دارد؟ در این مورد تاکنون پاسخی واصل نشده است.

مجدداً نامه‌ای به شماره ۹۰/۱۴۸۴۵/۴۷۷۰ مورخ ۸۱/۹/۱۳ برای جناب آقای عزیزاده ارسال گردید مبنی بر این که "این کمیسیون تمایل دارد به

منظور بررسی دقیق مسائل مطروحه، نظرات جنابعالی و یا نماینده تام‌الاختیار دادگستری تهران را در وقتی که متعاقباً به توافق تعیین خواهد شد، داشته باشد، چنانچه با پیشنهاد مزبور موافقت دارید، به نحو مقتضی اعلام فرمایید تا مقدمات تشکیل جلسه سریعاً فراهم گردد" لکن به این نامه نیز تاکنون پاسخی داده نشده و لذا به ناچار در رسیدگی به شکواییه‌ها، متن دادنامه بدوی با توجه به مقررات قانونی، ملاک در بررسی‌ها قرار می‌گیرد.

### خلاصه‌ای از دادنامه بدوی

فتوکی دادنامه موجود در ۵۶ صفحه، با امضای آقای حسن بابایی در دو قسمت صادر شده است. دادنامه ابتدائاً با استناد به بند ۳ ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ که به دادگاه اجازه داده است در صورتی که "علنی بودن محاکمه محل امنیت یا احساسات مذهبی باشد" استثنائاً دادگاه را غیرعلنی برگزار کند، قرار غیرعلنی بودن دادگاه را صادر کرده و عدم حضور هیئت منصفه را نیز به جهت تعریف نشدن جرم سیاسی موجه دانسته است و سپس در رابطه با انحلال نهضت‌آزادی، به یک فقره دستورالعمل حفاظتی (از اسناد مکشوفه درون گروهی) که معلوم نیست به امضای چه کسی رسیده و کجا و چگونه کشف گردیده و کدام یک از توصیه‌های دوازده‌گانه آن عنوان مجرمانه دارد،



استناد شده و نیز به انبوهی از مقالات و بیانیه‌های رسمی و علنی دبیر کل سابق و فعلی نهضت‌آزادی که در دهه اول و دوم پس از انقلاب و سال‌های اخیر به مناسبت‌های مختلف، راجع به حوادث سیاسی - اجتماعی روز مثل جنگ، صلح، ولایت مطلقه فقیه، وضع دانشگاه‌ها، وضع نامطلوب دادگستری، مشکلات اقتصادی، بیکاری و... صادر شده است، استناد کرده و همچنین به برخی از سخنرانی‌های حضرت امام خمینی (ره) از جمله در تاریخ‌های ۶۰/۳/۲۵ و ۶۰/۱۱/۳۰ راجع به لایحه قصاص و انتقاد به لیبرال‌ها و اعلام اشتباه در اعتمادی که به آنها کرده‌اند، استناد نموده و به ملاقات‌های سیاسی برخی از اعضای نهضت‌آزادی با بعضی سفرای خارجی اشاره شده و تلقی ارتباط با بیگانگان گردیده (بدون این که به اسامی و مفاد مذاکره تصریح شود) و به سخنرانی مورخ ۷۸/۱۰/۱ یکی از فعالان ملی - مذهبی (بدون ذکر نام) استناد شده که در شرایطی، توصیه به اقدام قهرآمیز و مسلحانه نموده است و حتی اشاره به اظهارات مشاور اسبق امنیت ملی آمریکا داشته که گفته شده است از روشنفکران ایرانی تمجید شده و لذا هماهنگی با خارجی‌ها و خصوصاً آمریکا وجود دارد، و نهایتاً با استناد به ماده ۱۵ قانون اقدامات تأمینی سال ۱۳۳۹ و ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی و نامه‌های مورخ ۷۳/۱۲/۲۲ و ۷۴/۱۲/۱۲ کمیسیون ماده ۱۰ احزاب در عدم موافقت با نهضت‌آزادی، بدین شرح حکم به انحلال نهضت‌آزادی صادر نموده‌اند: "با احراز غیرقانونی بودن تشکیلات موسوم به نهضت‌آزادی ایران حکم به انحلال این تشکیلات و کلیه تشکل‌های وابسته و تحت پوشش آنها از جمله انجمن اسلامی مهندسين، بنیاد فرهنگی بازرگان، جمعیت توسعه فرهنگی تبریز، جمعیت تلاشگران روشنفکران و دفتر پژوهش‌های محک در زنجان را صادر و اعلام می‌نماید."

اسامی متهمین و عناوین اتهامات و مجازات آنها که عمدتاً مشابه می‌باشد و برای تعدادی تا ۸ سال حبس در نظر گرفته شده است به شرح زیر است:

۱- آقای محمدعلی توسلی حجتی ۲- آقای هاشم صباغیان ۳- آقای خسرو منصوریان ۴- آقای ابوالفضل بازرگان ۵- آقای محمود نعیم‌پور ۶- آقای غفار فرزندی ۷- آقای احد میرمحمدرضایی ۸- آقای سیدامیر خرم ۹- آقای علی اصغر غروی دکترای فلسفه ۱۰- آقای محمدهادی هادی‌زاده یزدی مدرس دانشگاه مشهد ۱۱- آقای محمد حسین بنی‌اسدی ۱۲- آقای محسن محقق ۱۳- آقای غلامرضا مسموعی ۱۴- آقای مصطفی مسکین ۱۵- آقای مجید حکیمی ۱۶- آقای سید علیرضا هندی ۱۷- آقای محمد نوید بازرگان فرزند مهدی ۱۸- آقای احمد صدرحاج سیدجوادی وکیل دادگستری ۱۹- خانم ربابه بی‌طرف معروف به صفا ۲۰- خانم فرشته بازرگان فرزند مهدی ۲۱- آقای محمدحسین درویش ملا ۲۲- آقای مصیب‌دوانی ۲۳- آقای مرتضی اشفاق از شاخه اصفهان ۲۴- آقای جمال زره‌ساز، مسئول شاخه شیراز نهضت‌آزادی ۲۵- آقای باقر فتحعلی بیگی عضو نهضت‌آزادی در زنجان ۲۶- آقای اکبر بدیع‌زادگان ۲۷- آقای حجت‌الله قیاسی ۲۸- آقای علیرضا غروی ۲۹- آقای محمدرضا حمسی ۳۰- آقای بیژن گل‌افرا مسئول شاخه کرج نهضت‌آزادی ۳۱- آقای سعید غفارزاده ۳۲- آقای طاهر احمدزاده غروی ۳۳- آقای علی‌اکبر جمعی ۳۴- آقای سیدمحمد ارتضا ۳۵- آقای سیدحامد علوی ۳۶- آقای جمشید منصوریان ۳۷- آقای سیدجعفر عباس‌زادگان ۳۸- آقای محمدابراهیم زمانی ۳۹- آقای علی فرید یحیایی ۴۰- آقای جعفر کیوان‌چهر ۴۱- آقای فضل‌الله صلواتی دکترای ادبیات فارسی، که جملگی به استناد مواد ۴۹۸، ۴۹۹ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ به جرم اداره نهضت‌آزادی و یا تشکل‌های وابسته و یا عضویت در نهضت‌آزادی و یا تشکل‌های وابسته به قصد برهم‌زدن امنیت کشور و ضدیت با نظام و تبلیغ علیه نظام و اهانت به رهبری حسب مورد به حبس و جزای نقدی و یا هر دو محکوم شده‌اند و برخی نیز اتهامات دیگری داشته‌اند که به لحاظ خروج موضوعی در گزارش حاضر منعکس نمی‌شود.

در مورد آقایان سیدصالح سیدگرگانی، محمدرضا باباصفری، صمد آرونی و رؤف طاهری نیز برائت صادر شده است و مضافاً در صفحه آخر دادنامه بدوی نیز مقرر شده است: "... گروه‌های مذکور جهت تبیین مواضع انحرافی و منافقانه و خلاف صریح اصول مسلمة اسلام و انقلاب اسلامی و در ضدیت و مبارزه با نظام جمهوری اسلامی با هدف براندازی آن املاک و اموالی برای ارتکاب جرم و محل اختفای فعالیت‌های غیرقانونی آن اختصاص و از آنها برای توزیع نشریات و اعلامیه و اطلاعیه و تشکیل جلسات سخنرانی استفاده نموده و این املاک و اشیاء و اموال مکشوفه جزء دلایل و تجهیزات و امکانات و وسیله ارتکاب جرم محسوب می‌گردد، لذا دادگاه استناداً به ماده ده قانون مجازات اسلامی حکم به ضبط اموال و املاک مکشوفه گروه‌های فوق از جمله واحدهای زیر: ۱- ضلع شمال غربی طبقه همکف پلاک ثبتی ۶۹۳۳/۴۶۸۸۱، ۲- ضلع شمال شرقی طبقه دوم پلاک ثبتی ۶۹۳۳/۴۸۸۴۰، ۳- ضلع جنوب شرقی طبقه دوم پلاک ثبتی

۶۹۳۳/۴۸۸۵۰، ۴- ضلع شمال غربی طبقه دوم پلاک ثبتی ۶۹۳۳/۴۶۸۸۶، ۵- ضلع شمال غربی طبقه سوم پلاک ثبتی ۶۹۳۳/۴۶۸۸۹ جزء ساختمان شماره ۲۳۴ واقع در خیابان شهیدمطهری ع-ملک کانون فرهنگی نشر حقایق اسلامی مشهد واقع در کوهسنگی ۲۸ حکیم نظامی ۲۸ پلاک ۱۰ که از وجوه و کمک‌های نقدی و غیرنقدی اعضا و علاقه‌مندان گروه نهضت‌آزادی و تشکل‌های وابسته آن تهیه و به لحاظ غیرقانونی بودن گروه مذکور صوری به نام اعضا این گروه از جمله آقایان: ابراهیم یزدی، مهدی بازرگان، عبدالعلی بازرگان، محمدحسین بنی‌اسدی، وحید منصوریان، ناصر احمدزاده، خانم یزدانی مقدم و... می‌باشد، و دیگر اموال و اشیاء مکشوفه اعم از کیس کامپیوتر و غیره به شرح لیست مندرج در پرونده و وجوه مندرج در حساب‌های شماره ۲۷۲۱ و ۲۳۷۶/۶۵ بانک صادرات شعبه مبارزان کد ۲۸۶۳ به نام آقایان بیژن گل‌افرا، حسن اربابی و ابوالفضل بازرگان و مسموعی متعلق به گروه نهضت‌آزادی را به نفع دولت جمهوری اسلامی صادر و اعلام می‌نماید. ... و در جمله پایانی دادنامه بدوی آمده است که "پرونده در مورد متهمین: ۱- ابراهیم یزدی ۲- عبدالعلی بازرگان ۳- غلامعباس توسلی ۴- رضا صدر و سایر اعضای غیرقانونی نهضت‌آزادی مفتوح اعلام می‌گردد. اخیراً نیز آقای دکتر یزدی طی رونوشت نامه شماره ۱۸۲۱ مورخ ۸۱/۱۱/۲۱ که اصل آن برای ریاست محترم دادگستری کل تهران ارسال شده است، اعلام داشته که ساختمان ۲۳۴ خیابان شهیدمطهری (محل دفتر نهضت‌آزادی) در تاریخ ۸۱/۱۱/۱۵ قبل از قطعی دادنامه بدوی پلمپ‌شده و بدون این که مقام صادرکننده چنین دستوری معلوم باشد حتی ملک شخصی آقای محمدتوسلی و دفتر شخصی آقای هاشم صباغیان که در اختیار نهضت‌آزادی باشد نیز مورد پلمپ قرار گرفته است. ضمناً پرونده فعلاً در شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر تهران مطرح رسیدگی می‌باشد.

#### اظهار نظر حقوقی با توجه به محتویات دادنامه بدوی

۱- اقدام دادگاه محترم در تشکیل دادگاه غیرعلنی به استناد بند ۳ ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ نمی‌تواند کاملاً موجه باشد چرا که اولاً: به موجب اصول ۱۶۵ و ۱۶۸ قانون اساسی و صدر ماده ۱۸۸ قانون مزبور اصل بر علنی بودن محاکمات دادگاه است، مگر در موارد سه‌گانه‌ای که استثنا شده است. اصول حقوقی ایجاب می‌نماید که در تفسیر موارد استثنا به مصادیق توسعه داده نشود و حتی المقدر رجوع به اصل شده و به عبارت دیگر موارد استثنا مضیق تفسیر شود.

ثانیاً: وقتی که عمده دلایل اتهام‌های وارده به متهمین، اداره و یا عضویت در نهضت‌آزادی است و مستندات نیز اکثراً به مقالات و بیانیه‌ای رسمی و علنی نهضت‌آزادی معطوف می‌باشد که کم و بیش در جراید وقت منتشر شده است، خوف اخلال در امنیت تقریباً منتفی بوده است لکن اگر اتهام متهمین مذکور جاسوسی به نفع اجانب و موضوع پرونده اسناد طبقه‌بندی شده دستگاه‌هایی مثل ارتش، وزارت اطلاعات و از این قبیل می‌بود، اقتضاء داشت، دادگاه به‌طور غیرعلنی تشکیل می‌گردید.

ثالثاً: وقتی که حتی قبل از محاکمات توسط روابط عمومی محترم دادگاه انقلاب اسلامی تهران در خصوص اتهامات وارده اطلاعیه‌هایی آن هم از

طریق رادیو و تلویزیون و سایر جراید کثیرالانتشار صادر و منتشر می‌شود، چگونه می‌توان به استناد "اختلال در امنیت" از اصل علنی بودن دادگاه مصرح در قانون اساسی و قانون موضوعه عدول نمود؟

۲- عدم موافقت کمیسیون ماده ۱۰ قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و... مصوب ۱۳۶۰/۱۶/۷ مستقر در وزارت کشور به تنهایی نمی‌تواند دلیل غیرقانونی بودن گروه‌های فعال سیاسی ملتزم به قانون اساسی جمهوری اسلامی باشد چرا که اصل ۲۶ قانون اساسی با عنایت به مشروح مذاکرات مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی اصل را بر "آزادی" احزاب قرار داده است مشروط بر این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند و حتی اجرای این اصل را منوط به تصویب قانون موضوعه نکرده است (در اصل ۲۴ تفصیل آزادی مطبوعات موکول به قانون معین شده است) و لذا به عنایت به اصل ۲۶ قانون اساسی اصولاً فعالیت احزاب منوط به اخذ پروانه نیست. مضافاً این که در ماده ۶ قانون فعالیت احزاب مصوب ۱۳۶۰ نیز به تبعیت از اصل ۲۶ قانون اساسی آمده است که: "فعالیت گروه‌ها آزاد است مشروط بر این که مرتکب تخلفات مندرج در ماده ۱۶ این قانون نگردند" و در هیچ کدام از مواد قانون مزبور، اخذ پروانه به عنوان تکلیف مشخص احزاب موجود ذکر نشده است. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در تصویب این قانون نیز مؤید همین نظر است و از طرف دیگر بابت عدم دریافت پروانه ضمانت‌های اجرایی مثل توقیف یا انحلال و یا جریمه نقدی در نظر گرفته نشده است و نکته مهم‌تر این که گروه مورد بحث این پرونده، ۱۷ سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی عملاً تشکیل و تأسیس شده و رهبران مؤسس آن در زمان حیات بنیان‌گذار فقید نظام جمهوری اسلامی به نام "نهضت آزادی" اقدام به صدور بیانیه‌های متعدد سیاسی و هرگونه فعالیت مجاز حزبی نموده و حتی با علم به وابستگی گروهی آنان، از طرف امام خمینی (ره) منصوب به مشاغل مهم سیاسی شده‌اند لذا از این جهت نیز به استناد قاعده فقهی "استصحاب" بقاء حیات قانونی آن تردیدناپذیر است و به صرف عدم صدور پروانه از کمیسیون ماده ۱۰ نمی‌توان نظر به غیرقانونی بودن آن داشت.

۳- استدلال دادگاه در این که بدون "تقاضای انحلال" توسط کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب می‌توان به درخواست مدعی العموم اتهامات وارده بر نهضت آزادی را مورد رسیدگی قرار داد، قانوناً موجه است چرا که تسهیلات قانونی مندرج در قانون احزاب از جمله طرح "تقاضای انحلال" به عنوان مقدمه ضروری رسیدگی دادگاه صالح، ناظر به گروه‌ها و احزابی است که در اجرای قانون فعالیت احزاب و... مصوب شهریور ۱۳۶۰ پروانه فعالیت دریافت کرده باشند. در غیر این صورت امتیاز مزبور شامل این قبیل احزاب نشده و با طرح شکایت مدعی العموم، دادگاه می‌تواند وارد رسیدگی شود و حکم مقتضی صادر نماید.

۴- رأی به "انحلال نهضت آزادی" و گروه‌های دیگری که وابسته به نهضت آزادی تلقی شده است، لزوماً به معنای این است که دادگاه ابتدائاً موجودیت آنها را قبول کرده و سپس به دلایل و جهاتی که قید کرده است، حکم به "انحلال" آن داده است. محاکمه گروه‌های موجود که هر کدام مستقلاً دارای اساسنامه و مرامنامه مخصوص به خود می‌باشند، مستلزم احضار مدیر

یا دبیر یا مدیرعامل یا رئیس هیئت مدیره به دادگاه و اخذ دفاع از آنها بوده درحالی که چنین اقدامی صورت نگرفته و علی‌رغم اساسنامه‌ها و شخصیت حقوقی مستقل و به صرف وجود اهداف مشترک، جملگی با حکم انحلال مواجه شده‌اند.

۵- "ضبط" شش فقره املاک غیرمنقول به استناد ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ که به نام اشخاص حقیقی بوده و تلقی "صوری بودن" اسناد مالکیت آنها شده است، از هر جهت خلاف قانون بوده و تخلف محسوب می‌شود چرا که اولاً: حکم صریح ماده ۱۰ در مورد "اشیا و اموال کشف شده که دلیل یا وسیله جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب جرم استعمال یا برای استعمال اختصاص داده شده" می‌باشد، به عبارت دیگر حکم ماده ده شامل ضبط وسایلی مثل دستگاه دریافت ماهواره، وسایل ساخت مشروبات الکلی، ابزار استفاده از مواد مخدر و امثالهم می‌شود و قطعاً منصرف از اموال غیرمنقول است که فقط محل وقوع جرم محسوب می‌گردد.

ثانیاً: "صوری بودن" اسناد مالکیت مشمول حکم ماده ۲۱۸ قانون مدنی است که ابطال آن اسناد مستلزم تقدیم دادخواست توسط طلبکار است که مدعی است به منظور فرار از دین، سند مورد نظر به شکل صوری تنظیم شده است و از طرف دیگر دادگاه صالح برای ابطال اسناد صوری، قطعاً دادگاه‌های عمومی دادگستری هستند و دادگاه‌های انقلاب بدو چنین صلاحیتی ندارند. ثالثاً: اگر "ضبط" اموال و آپارتمان‌های یادشده در دادنامه بدوی را مصادره اموال تلقی کنیم به موجب اصل ۴۹ قانون اساسی و مقررات مندرج در قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۳/۵/۱۷ مجلس محترم شورای اسلامی باید اثبات شود که اموال مصادره شده ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و از این قبیل موارد غیر مشروع بوده است درحالی که در دادنامه بدوی اساساً چنین اتهاماتی به افراد مذکور وارد نشده و حتی موضوعیت نیز نداشته است. مضافاً این که اگر منظور دادگاه بدوی "مصادره" اموال مزبور و سلب مالکیت باشد ضمن این که می‌بایست تصریح به مصادره می‌کرد به موجب بند "د" ماده ۲۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، مرجع تجدیدنظر آن دیوانعالی کشور است نه دادگاه تجدیدنظر استان. بنابراین از هر زاویه قانونی که به موضوع "ضبط املاک" یادشده نگاه شود، منطبق با قوانین موضوعه به نظر نمی‌رسد.

رابعاً: در صفحه ۳۲ دادنامه بدوی در این خصوص به ماده ۱۵ اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۲ اشاره شده است. صرف نظر از خروج موضوعی حکم ماده مزبور با بحث پرونده حاضر، آنچه به صراحت در ماده ۱۵ آمده است دستور دادگاه در "بستن مؤسسه" ای است که مواد مخدر، قاچاق و سمیات مضر می‌فروشد و یا موجب تسهیل وسایل برای اعمال منافی عفت می‌باشد. بدیهی است که "بستن مؤسسه" یا "ضبط" یا مصادره آن به لحاظ لغوی و حکمی تفاوت اساسی دارد.

۷- عمده متهمین پرونده به استناد مواد ۴۹۸، ۴۹۹، و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی محکوم شده‌اند. هرچند ورود به این بحث نوعی ورود به

ماهیت است لکن از آنجا که تمایز دقیقی بین ایراد شکلی با طرز کار و مباحث ماهوی وجود ندارد به نظر می‌رسد مفاد احکام مقرر در مواد استنادی با آنچه در دادنامه بدوی به‌عنوان دلایل اتهام قید شده است، مطابقت ندارد چرا که اولاً؛ مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ ناظر به اداره کردن یا عضویت داشتن در دستجاتی است که "هدف آن برهم‌زدن امنیت کشور باشد"، نقض امنیت کشور و برهم‌زدن آن، مستلزم نقض کلان قوانین کشور و ابتدائاً ملتزم نبودن به قانون اصلی کشور یعنی قانون اساسی است. در مرامنامه تیر ۱۳۵۹ نهضت آزادی به صراحت "پاسداری از قانون اساسی جمهوری اسلامی و قبول رهبری امام امت" قید شده است. هم‌اکنون نیز در مکاتبات و اظهارات اعضای گروه چنین نقیدی به تکرار وجود دارد و لذا صرف صدور بیانیه‌های سیاسی در سنوات گذشته آن هم با تأکید بر حفظ منافع ملی، اجرای دقیق قانون و ارائه بعضی پیشنهادات در مسائل کلان سیاست داخلی و خارجی و انتقاد به عملکرد برخی از حاکمان نمی‌تواند مصداق "برهم‌زدن امنیت کشور" محسوب گردد. به عبارت دیگر نه اساساً هدف از تشکیل گروه برهم‌زدن امنیت بوده و نه سوء قصد خاصی در این خصوص از اقدامات برشمرده شده در دادنامه بدوی راجع به این قسمت از جرم احراز می‌گردد. اگر فرض دادگاه محترم را به نحو مطروحه پذیریم هیچ تفاوتی بین احزاب برانداز، مثل گروه‌های خارج از کشور و احزاب فعلی که در چارچوب قانون اساسی فعالیت می‌نمایند وجود نخواهد داشت. مضافاً این که به استناد ماده یک و بند "الف" و "ب" ماده ۱۰

قانون تأسیس وزارت اطلاعات مصوب

۶۲/۵/۲۷ مجلس شورای اسلامی مرجع ذیصلاح برای کشف توطئه براندازی یا اقدام علیه امنیت کشور، وزارت مزبور است و با عنایت به اهمیت فوق العاده موضوع لازم بود دادگاه محترم برای کشف اصل اتهام و حقیقت امر و دستیابی به مستندات و مدارک مرتبط با اتهامات یادشده، از وزارت محترم اطلاعات استعلام می‌کرد، لکن در متن دادنامه بدوی به این مهم اشاره نشده است و بنابراین می‌توان از این حیث نیز ایراد اساسی بر محکومیت افراد مذکور وارد دانست.

ثانیاً؛ صدور بیانیه‌های سیاسی - اجتماعی و اتخاذ موضع راجع به حوادث مهم سیاست داخلی و خارجی مسئولین نظام جزء ذات فعالیت احزاب است و صرف چنین اقداماتی نمی‌تواند مخل امنیت کشور تلقی شود و لذا عبارت‌هایی چون "براندازی نوین"، "استحاله نظام"، "ایجاد شبهات در باورهای مردم"، "ایجاد شکاف بین ارکان حاکمیت"، "توسعه تضاد در جریان‌های سیاسی"، "نفوذ در جریان‌های دانشجویی" و... که در دادنامه بدوی از برخی مقالات و بیانیه‌های استنادی، برداشت شده است، هیچ کدام به لحاظ قانونی عناوین شناخته شده‌ای نیست و در صورتی دادگاه محترم می‌تواند به این عبارت‌ها استناد کند که قبلاً مقنن تعریف مجرمانه‌ای از آنها ارائه داده و مجازات قانونی برای هر کدام مقرر کرده باشد.

ثالثاً؛ ماده ۵۰۰ قانون مذکور صراحت در "تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی"، "یا تبلیغ به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام" دارد، درحالی که اعمال منتسب به متهمین پرونده جملگی نوعی انتقاد به

عملکرد بخشی از حاکمان و قسمتی از قوای سه‌گانه با ارائه راه‌حل در جهت اجرای هرچه بیشتر و بهتر قوانین اعم از قانون اساسی و قوانین موضوعه می‌باشد و ادعای فعلی متهمین نیز با التزام به قانون اساسی جمهوری اسلامی تأکید بر اهداف مزبور است. بنابراین "علیه نظام" یعنی علیه "قانون اساسی" نظام که نهادها و تشکیلات رسمی نظام را معلوم کرده است و یا علیه نظم عمومی که با نقض مجموعه یا عمده قوانین موضوعه تحقق می‌یابد و "تبلیغ به نفع گروه‌های مخالف نظام" نیز یکی دیگر از عناصر قانونی تحقق جرم مزبور است که ناظر به گروه‌هایی است که اساس نظام یعنی قانون اساسی را قبول نداشته و در جهت اخلاف و "براندازی" نظام اقدامات سیاسی خاصی را پیگیری می‌نمایند. بنابراین محکومیت متهمین به استناد ماده ۵۰۰ نمی‌تواند منطبق با قانون باشد و به عبارت دیگر "اصل نظام" با "بخش‌هایی از حاکمیت" و "برخی از حاکمان" قانوناً مترادف نبوده و هر کدام حکم جداگانه‌ای دارد.

رابعاً؛ در همه مواردی که به استناد مواد ۴۹۸، ۴۹۹ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی محکومیتی در نظر گرفته شده است، به اقرار متهمین استناد شده است. معمولاً در چنین پرونده‌هایی که متهمین به مدت طولانی در مرحله تحقیق و بازداشت انفرادی و بدون حضور وکیل انتخابی بوده‌اند و با توجه به کهولت سن و عوارض بیماری آنها، اقرار یادشده جای تأمل داشته و بهتر بود دادگاه محترم برای جلوگیری از هرگونه شائبه‌ای حداقل حضور بی‌دخالت و کلای انتخابی را به استناد اصل ۳۵ قانون اساسی و ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ در مرحله تحقیقات اجازه می‌دادند و یا حداقل به اصل علنی بودن دادگاه‌ها توجه می‌نمودند. از طرف دیگر افراد مذکور در شرایط بعد از بازداشت نوعاً اقرار را تکذیب کرده و به صراحت از شرایط نامطلوب مراحل بازجویی‌ها در اخذ اقرار استنادی مطالبی ابراز کرده‌اند و بنابراین نمی‌توان اقرار استنادی را واجد شرایط شرعی و قانونی در صدور احکام محکومیت دانست.

حسین انصاری راد - رئیس کمیسیون اصل ۹۰

